

پایہ

تعمیر

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

بیان وجه مشترک دو شیء

بیان وجه مشترک دو شیء را بر اساس موقعیت عملی آن‌ها بیان می‌کند (مثل: اسب و اسب‌سوار)
 برای آموزش هدف شماره ۱، یک جفت شیء یا تصویر در اختیار دانش‌آموز قرار داده می‌شود که وجه
 مشترکی با هم ندارند و بیشتر بر اساس قرار گرفتن در موقعیت‌های عملی به هم مربوط می‌شوند.
 مثلاً اگر از دانش‌آموز پرسیده شود وجه مشترک اسب و اسب‌سوار چیست؟ پاسخ طبیعی این خواهد بود که
 «اسب‌سوار بر اسب سوار می‌شود». و یا وجه مشترک ماهی و ماهی‌گیر چیست؟ پاسخ این خواهد بود که «ماهی‌گیر
 ماهی می‌گیرد».

از مثال‌هایی مانند: باغبان و باغ، معلم و مدرسه، ماشین و راننده و... می‌توان استفاده نمود.

نشان دادن شیء بی‌ربط از بین چند شیء

برای آموزش هدف شماره ۲، در مرحله‌ی اول ۴ شکل یا شیء در اختیار دانش‌آموز قرار داده می‌شود تا ۳
 تای آن‌ها میوه گرد باشند (مثل: سیب، انار، پرتقال) و چهارمین شیء یا تصویری که هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ
 شکل با هم فرق داشته باشند (مانند: چتر، یا پنجره، یا میز).
 مانند تصویر زیر:



شیء یا تصویر بی‌ربط که هم از	۳ نوع میوه که شکل
لحاظ جنس و شکل ظاهری با سه	ظاهری آن‌ها شبیه هم
شیء یا تصویر قبلی متفاوت	است.
است.	

در مرحله‌ی دوم آموزش، ۴ شیء یا تصویر در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود که ۳ تای آن‌ها در یک
 مقوله‌اند اما از لحاظ صورت ظاهر با هم متفاوتند. و شیء یا تصویر چهارم از لحاظ شکل یا رنگ با یکی از ۳ شیء
 یا تصویر قبلی شبیه است اما در یک مقوله دیگری می‌باشد.*

* توصیه: همکاران محترم توجه داشته باشند مواد آموزشی مورد نظر (۴ شیء یا تصویر) به صورت تصادفی در یک ردیف ارائه گردد.

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

در این صورت از دانش‌آموز انتظار می‌رود از صورت ظاهر بگذرد و ۳ شیء یا تصویر را که به مقوله واحدی تعلق دارد با هم در نظر گرفته و تصویر یا شیء بی‌ربط (توپ) را نشان داده و نام آن را بیان می‌کند.



شیء یا تصویر بی‌ربط که از لحاظ شکل ظاهری شبیه گوجه‌فرنگی است اما از لحاظ جنس با سه شکل دیگر متفاوت است.

۳ نوع سبزیجات که شکل ظاهری آن‌ها با هم متفاوت است.

خواندن و انجام دستورالعمل‌های دو قسمتی و غیرمستقیم

دستورالعمل‌هایی که در این تمرین مدنظر قرار می‌گیرند دستورات غیرمستقیم و پیچیده هستند. منظور از دستورات غیرمستقیم، دستورات دو قسمتی هستند که قسمت اول را فرد خواننده‌ی دستور یعنی فرد اول انجام می‌دهد و قسمت دوم را فرد دریافت‌کننده‌ی دستور یعنی فرد دوم انجام می‌دهد. این دستورالعمل‌ها را می‌توان در دو سطح تنظیم کرد که جهت آشنایی با آن‌ها از هر سطح یک مثال می‌زنیم.

مثال:

به علی بگو «دستت را ببر بالا»

به رامین بگو «دستش را ببرد بالا»

با توجه به دو مثال فوق که هر کدام معرف یک دسته از دستورات غیرمستقیم هستند لازم است معلم دستورهای مختلفی را برای هر دو نوع بنویسد و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا آن‌ها با هر دو نوع این دستورها آشنا شوند و آن‌ها را انجام دهند و بهتر است از محتوای کتاب‌های درسی استفاده شود.

تغییر عنوان داستان

مرحله‌ی اول: ابتدا معلم داستانی را که عنوان مشخصی دارد برای دانش‌آموزان می‌خواند و توضیح می‌دهد. مرحله‌ی دوم: در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد دوباره داستان را بخوانند و هر دانش‌آموز با توجه به برداشت خود از داستان آن را توضیح دهد. مرحله‌ی سوم: معلم در مورد نکات کلیدی و ویژگی‌های اصلی داستان مثل شخصیت‌ها، موقعیت، مشکلات، راه‌حل‌ها و... با دانش‌آموزان بحث و تبادل نظر می‌کند.

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

مرحله‌ی چهارم: معلم از دانش‌آموز می‌خواهد تا با توجه به ویژگی‌های اصلی داستان عنوان دیگری را برای همان داستان انتخاب کند.

مرحله‌ی پنجم: در مرحله‌ی پایانی معلم با توجه به تنوع عناوین انتخاب شده از سوی دانش‌آموزان در مورد آن‌ها به بحث و تبادل نظر می‌پردازد.

عنوان‌گذاری برای داستان

آموزش این قسمت مطابق مراحل فوق صورت می‌گیرد. با توجه به این که در این قسمت داستان عنوان ندارد و معلم دانش‌آموزان را به انتخاب عنوان‌های متنوع تشویق می‌کند.

خواندن چیستان و حدس پاسخ آن

معلم اشیاء یا پدیده‌های مختلفی را متناسب با سطح شناخت بچه‌ها انتخاب می‌کند (مثلاً ماشین، ساعت و...). در مورد هر کدام از آن‌ها جمله‌هایی را روی یک برگه می‌نویسد تا دانش‌آموز با خواندن آن با صدای بلند خودش یا دوستانش حدس بزنند که این جمله‌ها مربوط به چه چیزی هستند. بنابراین در اینجا هدف نه تنها خواندن است بلکه درک خواندن از سوی خواننده و نیز بقیه‌ی دانش‌آموزان که شنونده هستند می‌باشد. مثالی در این مورد عبارت است از:

«آن چه حیوانی است که چهار پا دارد، پارس می‌کند و استخوان می‌خورد؟»

جواب: «سگ»

توجه: بهتر است توضیحاتی که در مورد هر شیء یا پدیده نوشته می‌شود هم ویژگی‌های ظاهری (تعداد پا، رنگ، اندازه و...) و هم ویژگی‌های عملکردی (حرکت، صدا، کاربرد و...) را دربر داشته باشد.

پایہی

پنجم

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات**بیان وجه مشترک دو شیء**

وجه مشترک دو شیء را بر اساس موقعیت عملی آن‌ها بیان می‌کند (مثل: اسب و اسب‌سوار)
 برای آموزش هدف شماره ۱، یک جفت شیء یا تصویر در اختیار دانش‌آموز قرار داده می‌شود که وجه مشترکی با هم ندارند و بیشتر بر اساس قرار گرفتن در موقعیت‌های عملی به هم مربوط می‌شوند.
 مثلاً اگر از دانش‌آموز پرسیده شود وجه مشترک اسب و اسب‌سوار چیست؟ پاسخ طبیعی این خواهد بود که «اسب‌سوار بر اسب سوار می‌شود». و یا وجه مشترک ماهی و ماهی‌گیر چیست؟ پاسخ این خواهد بود که «ماهی‌گیر ماهی می‌گیرد».

از مثال‌هایی مانند: باغبان و باغ، معلم و مدرسه، ماشین و راننده و... می‌توان استفاده نمود.
 برای آموزش هدف شماره ۲، در مرحله‌ی اول ۴ شکل یا شیء در اختیار دانش‌آموز قرار داده می‌شود تا ۳ تای آن‌ها میوه گرد باشند (مثل: سیب، انار، پرتقال) و چهارمین شیء یا تصویری که هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ شکل با هم فرق داشته باشند (مانند: چتر، یا پنجره، یا میز).
 مانند تصویر زیر:



۳ نوع میوه که شکل ظاهری آن‌ها شبیه هم است.	شیء یا تصویر بی‌ربط که هم از لحاظ جنس و شکل ظاهری با سه شیء یا تصویر قبلی متفاوت است.
--	---

مثال مربوط به آموزش مرحله‌ی اول

در مرحله‌ی دوم آموزش، ۴ شیء یا تصویر در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود که ۳ تای آن‌ها در یک مقوله‌اند اما از لحاظ صورت ظاهر با هم متفاوتند. و شیء یا تصویر چهارم از لحاظ شکل یا رنگ با یکی از ۳ شیء یا تصویر قبلی شبیه است اما در یک مقوله دیگری می‌باشد.*

* توصیه: همکاران محترم توجه داشته باشند مواد آموزشی مورد نظر (۴ شیء یا تصویر) به صورت تصادفی و در یک دریف ارایه گردد.

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

در این صورت از دانش‌آموز انتظار می‌رود از صورت ظاهر بگذرد و ۳ شیء یا تصویر را که به مقوله واحدی تعلق دارد با هم در نظر گرفته و تصویر یا شیء بی‌ربط (توپ) را نشان داده و نام آن را بیان می‌کند.



شیء یا تصویر بی‌ربط که از لحاظ شکل ظاهری شبیه گوجه‌فرنگی است اما از لحاظ جنس با سه شکل دیگر متفاوت است.	۳ نوع سبزیجات که شکل ظاهری آن‌ها با هم متفاوت است.
---	--

خواندن و انجام دستورالعمل‌های دو قسمتی و غیرمستقیم

دستورالعمل‌هایی که در این تمرین مدنظر قرار می‌گیرند دستورات غیرمستقیم و پیچیده هستند. منظور از دستورات غیرمستقیم، دستورات دو قسمتی هستند که قسمت اول را فرد خواننده‌ی دستور یعنی فرد اول انجام می‌دهد و قسمت دوم را فرد دریافت‌کننده‌ی دستور یعنی فرد دوم انجام می‌دهد. این دستورالعمل‌ها را می‌توان در دو سطح تنظیم کرد که جهت آشنایی با آن‌ها از هر سطح یک مثال می‌زنیم.

مثال:

به علی بگو «دستت را ببر بالا»

به رامین بگو «دستش را ببر بالا»

با توجه به دو مثال فوق که هر کدام معرف یک دسته از دستورات غیرمستقیم هستند لازم است معلم دستورالعمل‌های مختلفی را برای هر دو نوع بنویسد و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا آن‌ها با هر دو نوع این دستورها آشنا شوند و آن‌ها را انجام دهند و بهتر است از محتوای کتاب‌های درسی استفاده شود.

به‌کارگیری شماره تلفن

برای انجام این کار ابتدا لازم است معلم اطلاعات مربوط به هر دانش‌آموز را نزد خود داشته باشد. سپس از هر دانش‌آموز پرسش‌هایی شفاهی در مورد محل سکونت و شماره تلفن آن‌ها پرسیده می‌شود. برای مثال پرسیده می‌شود «مریم خونه‌ی شما کجاست؟» پاسخی که در این سطح مورد انتظار است این است که دانش‌آموز دست‌کم بتواند نام محله‌ی خود را بیان کند. سؤال دیگری که پرسیده می‌شود مربوط به شماره تلفن است. برای مثال «شماره تلفن تون چیه؟» برای آموزش شماره تلفن بهتر است که شماره تلفن را براساس محل قرارگیری صفر (در صورت وجود) در گروه‌های سه‌رقمی، دو رقمی آموزش داد تا دانش‌آموز حفظ کند.

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

(مثلاً: ۱۶-۱۵-۴۴)

پس از این که هر دانش‌آموز توانست به دو پرسش فوق درست پاسخ دهد می‌توان از آن‌ها خواست تا پاسخ‌های خود را بنویسند.

نوشتن اعداد ترتیبی در جملات

بر اساس تمرین‌هایی که در مرحله‌ی قبل به صورت شفاهی در مورد اعداد ترتیبی صورت گرفته است در این قسمت به ارائه تمرین‌های کتبی می‌پردازیم.

برای این منظور جمله‌هایی را می‌نویسیم و با گذاشتن جای خالی در این جمله‌ها از هر دانش‌آموز می‌خواهیم تا واژه هدف را در آن جمله بنویسند. مثال‌هایی از این جمله عبارتند از:

بهار..... فصل سال است.

یکشنبه..... روز هفته است.

مرداد..... ماه سال است.

با توجه به نوع مثال‌های فوق، معلم از هر نمونه چندین مورد را در طی چندین جلسه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا این تمرین‌ها را انجام دهند.

به کار بردن موصول «که» در جملات

معلم چند توپ یا چند شیء را به تعداد بچه‌ها در مکان‌های مختلف قرار می‌دهد و هم‌زمان با قرار دادن هر کدام می‌گوید که آن را کجا قرار داده است، مثلاً هم‌زمان با قرار دادن توپ روی میز می‌گوید «این توپ می‌دارم روی میز». پس از این کار معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا هر کدام از بچه‌ها روی یک کاغذ با یک جمله‌ی کامل بنویسد که کدام توپ را می‌خواهد تا او همان توپ را به آن‌ها بدهد. البته قبل از انجام این کار لازم است تا معلم الگویی از این جمله‌ها را بنویسد تا بچه‌ها با الگوی این جمله‌ها آشنا شوند. مثالی از این نوع جمله‌ها عبارتست از: «من تویی را که روی میز است می‌خواهم» در ادامه زمانی که هر کدام از بچه‌ها جمله‌ی خود را نوشت، آن را به معلم می‌دهد تا معلم پس از خواندن آن و در صورت صحیح بودن، شیء مورد درخواست را به دانش‌آموز بدهد.

تکمیل فرم مشخصات شخصی

در این فعالیت معلم فرم کامل (تایپ شده) را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا با نوشتن مشخصات شخصی، فرم را پر نمایند. مشخصات شخصی شامل موارد زیر می‌باشد:

نام و نام خانوادگی - نام مدرسه - نام معلم - نام پدر و مادر - سن - تاریخ تولد - جنس - نام و تعداد خواهران و برادران - شماره تلفن و آدرس

برای انجام این کار لازم است معلم تمام مشخصات فوق هر دانش‌آموز را به‌طور مکتوب نزد خود داشته باشد تا بتواند تمرین‌های مربوطه را انجام دهد. ابتدا برای آشنا شدن دانش‌آموزان با روند انجام کار معلم، به‌طور شفاهی

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

از هر کدام پرسش‌هایی در مورد مشخصات شخصی می‌پرسد به نحوی که همه بتوانند به پرسش‌های مربوط به خودشان پاسخ صحیح بدهند. پس از این کار معلم هر بار تعدادی جمله را روی کاغذ نوشته یا تایپ می‌کند. هر کدام از جمله‌ها دارای یک جای خالی بوده و آن‌ها را بین بچه‌ها توزیع می‌کند تا هر کدام از آن‌ها این جمله‌ها را تکمیل کنند. نمونه‌ای از این جمله‌ها با توجه به سطوح مختلف درآمده است بهتر است که معلم هر بار جمله‌های مربوط به یک سطح را ارائه دهد و به تدریج به آن‌ها اضافه کند.

مثال:

اسم من..... است. اسم خواهر من..... است.

من..... خواهر دارم. برادر من است.

پس از آشنا شدن با روند کار و تمرینات مکرر در این زمینه در نهایت معلم فرم کامل مشخصات شخصی را به هر دانش‌آموز ارائه می‌دهد تا آن‌ها را پر نمایند.*

نوشتن زیر مجموعه‌های هر طبقه

شامل دو فعالیت به شرح زیر است :

فعالیت شماره‌ی ۱ - جدولی از کلمه‌های مختلف را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید که در زیر آن تعدادی جمله نوشته شده است. دانش‌آموزان باید کلمه‌ای را از جدول انتخاب کنند و متناسب با جمله در جاهای خالی قرار دهند. (مجموعه‌های انتخاب شده و تعداد آن‌ها بستگی به محتوای کتب هر پایه و توان ذهنی دانش‌آموزان دارد).

۱- بهار، تابستان، زمستان... هستند.

۲- سبز، آبی، قرمز... هستند.

فصل	عدد	خانواده	ورزش	رنگ
-----	-----	---------	------	-----

فعالیت شماره‌ی ۲ - از دانش‌آموزان بخواهید با کمک جدول زیر که شامل: گل‌ها، درختان و پرندگان است، نام هر طبقه و اعضای آن را در محل تعیین شده بنویسند (هر طبقه و اعضای آن انتخابی است و به عهده‌ی معلم محترم می‌باشد. می‌توانید تکالیفی را مانند الگوی زیر و مطابق با محتوای کتب طراحی کنید).

گنجشک	سرو	کاج	لاله	عقاب	چنار
بلبل	داوودی	رُز	میخک	پرستو	صنوبر

* توضیح: واضح است که معلم ابتدا باید توضیحاتی در مورد نحوه‌ی پر کردن این جمله‌ها بدهد و چند مورد را خود روی تخته‌سیاه انجام دهد تا دانش‌آموزان با نحوه‌ی انجام کار آشنا شوند.

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

مثال:

پرنندگان	گل‌ها	درختان
پرستو
.....
.....
.....

نمونه‌ی کاربردی الگوی تدریس / یادگیری کشف یا دریافت مفاهیم

مرحله‌ی اول - تعیین هدف‌های آموزشی: در این مرحله انتظارات آموزش خود را از یادگیرنده در قالب عباراتی روشن بیان کنید.

از دانش‌آموز انتظار می‌رود بتواند واژگان داده شده را سازمان‌بندی نماید.

مرحله‌ی دوم - صفات بارز مفهوم را تعیین کنید: در این مرحله مفهوم موردنظر را تحلیل کنید، یعنی معلوم کنید که مفهوم چه صفات و ویژگی‌هایی دارد. می‌توانید صفات پیچیده را کاهش دهید. برای این کاهش دو گونه می‌توانید عمل کنید.

۱- بعضی از صفات را نادیده بگیرید و بر صفات مهم تأکید کنید.

۲- صفات مختلف یک مفهوم را در چند گروه کوچک تقسیم کنید و رابطه میان صفات را مشخص نمایید.

گنجشک سرو کاج لاله عقاب چنار
بلبل داوودی رُز میخک پرستو صنوبر

در این مرحله معلم ابتدا اسامی داخل جدول را همراه با

دانش‌آموزان با صدای بلند تکرار می‌کند. سپس همراه با دانش‌آموزان صفات بارز هر مفهوم (اسم) را برشمرده و در جدول می‌نویسد.

برای تکمیل جدول داده شده بایستی تک‌تک اسامی جدول

بالا خوانده شود و با بیان ویژگی هریک از اسامی صفات آن مفهوم را برجسته نمود تا دانش‌آموزان با شناخت هر طبقه بتوانند واژگان داده شده را سازمان‌بندی نمایند.

پرنندگان	گل‌ها	درختان
پرستو
.....
.....
.....

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

مرحله‌ی سوم – توصیف بعضی کلمات و عباراتی که پیش‌نیاز مفهوم است: در این مرحله بعضی کلمات و عباراتی که برای یادگیری بهتر مفهوم مورد نظر پیش‌نیاز محسوب می‌شود به دانش‌آموز توضیح دهید. کلمات و واژه‌ها واسطه‌های یادگیری محسوب می‌شوند. اگر قبل از تدریس مفهوم به دانش‌آموزان تفهیم نشود، یادگیری مفهوم مشکل می‌گردد.

– معلم: چرا پرستو را در جدول پرندگان قرار دادیم؟

– دانش‌آموز: چون بال دارند، در هوا پرواز می‌کنند، نوک دارند و...

– معلم: بسیار خوب. پس هر حیوانی را که بال داشت، در هوا پرواز کرد، نوک دارد، دانه می‌خورد و... را ما در گروه پرندگان قرار می‌دهیم.

مرحله‌ی چهارم – مصداق‌های مثبت و منفی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید: مصداق مثبت یک مفهوم، صفات مفهوم مورد نظر را دارا است و مصداق منفی مفهوم فاقد آن صفات است. برای نمونه مصداق‌های مثبت مفهوم پرندگان عبارتند از: کلاغ، کبوتر، مرغ و...

مصداق‌های منفی آن عبارتند از: اسب، گاو، گربه و...

برای یادگیری بهتر مفهوم باید از مصداق‌های مثبت و منفی هر دو استفاده کرد. زیرا استفاده از یکی از این‌ها یادگیری را مشکل‌تر می‌کند. ابتدا با ارایه مصداق‌های مثبت یادگیرنده با ویژگی‌های بارز مفهوم آشنا می‌شود و با ارایه مصداق‌های منفی شناخت مفهوم تحکیم و ثبات بیشتری پیدا می‌کند. شایان ذکر است که اگر مصداق‌های مثبت و منفی به‌طور متوالی ارایه شوند یادگیری عمیق‌تر می‌شود.

مرحله‌ی پنجم – با فعالیت بیشتر یادگیرنده، شناخت مفهوم را تحکیم نمایید: در مرحله‌ی چهارم، مثال‌هایی از واژگان فراگیر (پرندگان، گل‌ها، درختان) ارایه گردید، و دانش‌آموزان با ویژگی‌های اصلی مفهوم آشنا شدند. در این مرحله با طرح سؤالاتی از آن‌ها بخواهید که مصداق‌های مثبت و منفی بیشتری از مفهوم ذکر کنند.

– معلم: آیا می‌توانید غیر از مثال‌ها (اسم‌هایی) که گفتیم مثال دیگری بگویید.

– دانش‌آموز: بله، طوطی

– معلم: درست است طوطی هم جزء پرندگان است به دلیل این‌که هم بال دارد، هم پرواز می‌کند، هم نوک دارد

و...

گوش کردن – بیان کردن – نوشتن – خواندن

معلم داستان‌های کوتاهی را انتخاب می‌کند. هر بار یک داستان را با استفاده از جمله‌های ساده و واضح برای بچه‌ها نقل می‌کند (در این‌جا از تصویر استفاده نمی‌شود) تا بچه‌ها به دقت به آن داستان (مثلاً داستان پسری که در طی روز کارهای مختلفی را انجام می‌دهد) گوش دهند. پس از اتمام داستان، معلم به نوبت از هر کدام از بچه‌ها می‌خواهد تا به مقابل سایر دانش‌آموزان آمده، هر آن‌چه را که از داستان نقل شده توسط معلم به خاطر دارد بیان کند. در این‌جا

هدف کلی: سازمان‌بندی واژگان و درک جملات

لازم است معلم هر دانش‌آموز را هدایت و راهنمایی کند تا قسمت‌هایی از داستان را هم که فراموش کرده، به خاطر آورده و بیان کند.

پس از این‌که تمام بچه‌ها این کار را انجام دادند و داستان موردنظر را تعریف کردند، وارد مرحله‌ی بعدی فعالیت می‌شویم. در این قسمت معلم از هر کدام از بچه‌ها می‌خواهد تا همان داستان را بنویسد. در پایان نیز از بچه‌ها خواسته می‌شود تا به نوبت هر کدام به مقابل افراد کلاس آمده، داستان خود را بخوانند.

یکی از فعالیت‌های جنبی مهم در این مرحله می‌تواند استفاده از نقاشی باشد. به این ترتیب که پس از نوشتن یک داستان بر روی کاغذ یا دفتر لازم است که هر دانش‌آموز در پایین کاغذ یا در صفحه‌ی دیگری از دفتر، به نقاشی کردن و به تصویر کشیدن آن پردازد. استفاده از نقاشی نه تنها باعث تقویت یک جنبه‌ی دیگر بیانی می‌شود، بلکه می‌تواند باعث گسترش خلاقیت و نیز ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان شود. آموزگاران محترم باید توجه داشته باشند که در چنین فعالیت‌هایی نقاشی دانش‌آموزان نباید مورد انتقاد قرار گیرد و آنچه را که دانش‌آموز به تصویر کشیده است باید مورد پذیرش و تشویق قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت باعث محدود شدن خلاقیت می‌شود.

حیثه

الله

اجتماعی - هیجانی

ساختار حیطه رشد اجتماعی - هیجانی درس مهارت آموزی برحسب پایه

پایه تحصیلی	خرده حیطه	مؤلفه
اول	رشد هیجانی	- خودپنداره - کنترل خود - ابراز هیجانات
	رشد اجتماعی	تعامل با دیگران
دوم	رشد هیجانی	- خودپنداره - کنترل خود - ابراز هیجانات
	رشد اجتماعی	تعامل با دیگران
سوم	رشد هیجانی	- خودپنداره - کنترل خود - ابراز هیجانات
	رشد اجتماعی	تعامل با دیگران
چهارم	رشد هیجانی	- خودپنداره - کنترل خود - ابراز هیجانات
	رشد اجتماعی	تعامل با دیگران
پنجم	رشد اجتماعی	- تعامل با دیگران - رفتار اجتماعی سازگارانه

انسان به طور طبیعی موجودی اجتماعی است. افراد بشر در خلال تمام مراحل زندگی با یکدیگر در حال تعامل هستند. رفتارها و تعاملات اجتماعی و همین طور حالات هیجانی فرآیندهای درونی در حیطه رشد اجتماعی - هیجانی قرار می‌گیرند. این حیطه شامل ویژگی‌ها و مهارت‌هایی است که برای کودکان جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی سازنده و تصویر مثبتی از خود ضروری هستند. گرچه هیجانات پدیده‌ای عمومی در بشر هستند و رفتار اجتماعی به طور مداوم در دنیای اطراف ما مشاهده می‌شود، اما تعریف و اندازه‌گیری رشد اجتماعی تا اندازه‌ای دشوار است.

چندین دهه است که در مقابل با متغیرهای مربوط به سلامت جسمانی و رشد حرکتی، متغیرهای مربوط به رشد اجتماعی - هیجانی با وجود الهام‌های فراوان مورد توجه متخصصین رشد بوده‌اند. مثلاً برای تعریف رشد اجتماعی - هیجانی طرح اندازه‌های سرآغاز^۱ بر این نکته اشاره داشته است که توافق خاصی در زمینه‌ی خصوصیات ویژه‌ای که رشد اجتماعی - هیجانی مطلوب را تشکیل می‌دهد، وجود ندارد. از طرف دیگر تعاریف مربوط به سازه و ابعاد اجتماعی - هیجانی، به مراتب بیش از سایر حیطه‌ها مستلزم قضاوت‌گزینش شده‌ای است که کمتر تحت تأثیر نظریه‌ها یا کارهای عملی غالب است (NEGP، ۱۹۹۵، بهراد، ۸۶). ادبیات تحقیق مربوط به شایستگی اجتماعی و هیجانی به‌عنوان مبنایی برای رشد بعدی (چیزن، کوهن، جرال و استارک^۲، ۲۰۰۱) و به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده موفقیت‌های بعدی در طی رشد تأکید دارند. یک محیط مراقبتی امن، تعاملات حمایت‌گرانه و تربیتی مناسب و روابط مثبت بین دانش‌آموز و مراقبین وی به رشد سیستم عصبی مرکزی کمک می‌کنند و نقش حیاتی را در ارتقاء رشد سالم اجتماعی - هیجانی ایفا می‌کنند.

تعریف کلی از رشد اجتماعی - هیجانی

اجماع عمومی درباره تعریف مفهومی از رشد اجتماعی - هیجانی در حال شکل‌گیری است. حتی توافق گسترده‌ای در زمینه‌ی ویژگی‌های آن و رابطه‌اش با تعاملات هدفمند بین فردی و روابط و یادگیری وجود دارد (دفتر آموزش عمومی واشنگتن، ۲۰۰۵).

رشد اجتماعی - هیجانی گرچه از نظر مفهومی و عملی در هم تنیده‌اند، اما لازم است به طور جداگانه به آن‌ها پرداخته شود. به این ترتیب ویژگی‌های هیجانی شامل حالات احساسی فرد در رابطه با خود و دیگران هستند. در مقابل ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌هایی هستند که شامل تعامل دو یا چند فرد به‌ویژه تعامل با همسالان و بزرگ‌ترها می‌باشند. پس عملکرد اجتماعی به رفتار و روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فرد با دیگران برقرار می‌کند.

به‌طور کلی، مهارت‌های اجتماعی به رفتارهای اجتماعی آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می‌شود، رفتارهایی که شخص

۱- Head start measures projects

۲- National education goals panel (NEGP)

۳- Chazen - Cohen & Jerald - Stark

می‌تواند با دیگران به نحوی ارتباط متقابل برقرار کند که به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی بیانجامد (مورگان، ۱۹۸۰). به این نکته نیز اشاره دارد که مهارت‌های اجتماعی نه تنها امکان شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران را فراهم می‌آورد، بلکه توانایی نیل به اهداف ارتباط با دیگران را نیز در شخص ایجاد می‌کند.

تراور^۱ مهارت‌های اجتماعی را به دو بعد تقسیم می‌کند:

۱- اجزا مهارت

۲- فرآیندهای مهارت

اجزا مهارت را عناصر واحدی نظیر نگاه کردن، تکان دادن سر، یا روابط اجتماعی مانند سلام و خداحافظی تشکیل می‌دهند. فرآیندهای اجتماعی به توانایی فرد در ایجاد رفتار ماهرانه براساس قواعد و اهداف مربوطه و در پاسخ به بازخورد اجتماعی اشاره دارد. این تمایز نیاز فرد را به نظارت بر موقعیت‌ها و تغییر رفتار در برابر واکنش سایر افراد نشان می‌دهد.

رشد هیجانی کودک برای تشخیص، ابراز و پاسخ‌دهی به هیجانات خود و دیگران امکان کسب مهارت‌های اجتماعی مهم را فراهم می‌آورد. موضوع محوری در درک رشد هیجانی سازه‌ی خودپنداره^۲ است (دفتر آموزش عمومی واشنگتن، ۲۰۰۵).

متخصصین در این زمینه توافق دارند که زیربنای رشد اجتماعی - هیجانی خودپنداره کودکان است. به خودپنداره به‌عنوان جزئی از رشد هیجانی نگریسته می‌شود، زیرا حالت احساسی درون کودک را دربر می‌گیرد، در عین حال چنین حالتی با تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. خودپنداره شامل صفات شخصیتی، عادات، توانایی‌ها، انگیزه‌ها و نقش‌های اجتماعی است که به کودکان در درک خود کمک می‌کند. برخلاف عزت‌نفس که به‌صورت مثبت یا منفی مشخص می‌شود (احساس مثبتی از اعتماد به‌نفس، احساس منفی در مورد ارزشمندی خود) خودپنداره به‌صورت کامل یا ناقص، روشن یا مبهم تبیین می‌شود.

رشد اجتماعی: توانایی کودکان برای شکل‌دهی و حفظ روابط اجتماعی با افراد بزرگسال و سایر کودکان محور رشد اجتماعی آن‌ها است. روابط اجتماعی کودکان با بزرگسالان از طریق توانایی کودک بر اعتماد و تعامل آسان با آن‌ها و همین‌طور توانایی تشخیص نقش‌های بزرگسالی، قابل درک و شناخت است. کودکان به راهنمایی، نشانه‌ها و علایم و اطلاعاتی که بزرگسالان برای چگونگی رفتار، تفکر و احساسات آن‌ها ارائه می‌کنند، توجه دارند. توانایی کودکان برای ایجاد روابط با همسالان بر چگونگی نگاه آنان به خود و دنیای پیرامونشان تأثیر دارد. به موازاتی که کودکان دوستی با همسالان را شروع می‌کنند، همکاری، توانایی شکل‌دهی و حفظ روابط و توانایی گفتگو و حل مشکلات به شیوه‌ای مثبت را تمرین می‌کنند (دفتر آموزش عمومی واشنگتن، ۲۰۰۵).

به‌طور کلی هرچا که حمایت اجتماعی ادراک شده در سطح بالاتری است. مشکلات رفتاری کمتر و سازگاری اجتماعی در سطح بالاتری است. روابط اجتماعی با والدین، سوگیری کودکان نسبت به مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدینی که سوگیری مثبتی نسبت به مدرسه دارند به احتمال بیشتر کودکانشان را طوری اجتماعی می‌کنند که در مقایسه با کودکان دارای والدین فاقد سوگیری مثبت، تجربه تحصیلی مثبتی را تجربه می‌کنند.

تعامل اجتماعی کودکان با همسالان جزء حیاتی دیگر رشد اجتماعی آن‌ها است. در واقع کودکانی که در پایان دوره‌ی آمادگی به نظر سازگاری مثبتی با مدرسه داشته‌اند، دوستان بیشتری را نیز در کلاس پیدا می‌کنند و قادر به حفظ این دوستی‌ها بوده و در طول سال نیز روابط دوستی جدیدی را پی‌ریزی کرده و می‌کنند (لد^۳، ۱۹۹۰؛ بهراد، ۸۶). به عکس روابط ضعیف با همسالان، پرخاشگری کودک و مهارت‌های اجتماعی ضعیف و عدم همدلی و همدردی با افکار و احساسات سایر کودکان همبستگی دارد. روابط مسأله‌دار با همسالان در خردسالی با مشکلات مربوط به سلامت هیجانی و ذهنی، افت تحصیلی و بزهکاری نیز رابطه دارد.

دست آخر این که شایستگی یا کفایت اجتماعی زمانی تظاهر پیدا می کند که کودکان با خود و دیگران و دنیای طبیعی پیرامون خود همدلی نشان می دهند. شایستگی و کفایت اجتماعی رابطه با همسالان به نظر دارای دو جنبه است.

۱- مهارت های اجتماعی لازم برای همکاری با همسالان

۲- توانایی ایجاد و حفظ روابط دو جانبه

کودکانی که در خطر تأخیر رشدی قرار دارند، نیازمند توجه ویژه برای ارتقاء رشد اجتماعی - هیجانی می باشند. به ویژه بعضی از کودکان دارای نیازهای ویژه در برقراری روابط موفق با همسالان با چالش ها و مشکلات خاصی مواجه هستند. تحقیقات نشان می دهند که کودکان دارای تأخیرهای خفیف رشدی کمتر تمایل به شرکت در بازی های طولانی و ادامه دار دارند و زمانی که کودکان دیگر مشغول بازی هستند، زمان بیشتری را در تنهایی می گذرانند، و به هنگام بازی با کودکان دیگر (یا کودکانی که اجازه بازی کردن پیدا نمی کنند) ناراحتی بیشتری را نشان می دهند.

این دسته از کودکان بیشتر عصبانی می شوند و از راهبردهای غیرکارآمدتری برای حل اختلافات استفاده می کنند. چون تعاملات اجتماعی و ابراز هیجانات مثبت از اهمیت ویژه ای برخوردارند. از این رو ممکن است بعضی از کودکان در کسب این مهارت ها نیازمند یاری و کمک بیشتری می باشند.

تأخیر یا ناتوانی در حیطه رشد اجتماعی - هیجانی

الف) تعریف: یک کودک با تأخیر یا ناتوانی در حیطه رشد اجتماعی - هیجانی انحراف هایی را در مهارت های ایجاد رابطه یا عواطف صرف نظر از تفاوت های طبیعی متناسب با سن و زمینه فرهنگی نشان می دهد. این مشکلات در طول زمان و در شرایط مختلف خود را نشان می دهند و شدیداً رشد مهارت های متناسب با سن کودک را تحت تأثیر قرار می دهند.

ب) عوامل، ملاحظات و رفتارهای قابل مشاهده ای که وجود تأخیر یا ناتوانی در حیطه اجتماعی - هیجانی را تأیید یا نشان می دهند.

۱- کودک رفتارهای قابل مشاهده مهمی از قبیل پاسخ های تکراری^۱، فقدان توانایی در زمینه گذار یا انتقال^۲، وابستگی مفرط به ساختار و کارهای یکنواخت و یا عدم انعطاف پذیری را نشان می دهد.

۲- کودک الگوهای عمده ای از مشکلات را در حیطه ارتباط با دیگران نشان می دهد که عبارتند از: اعتمادسازی^۳، پرخاشگری، شکوه و شکایت، فقدان کنترل برخورد متناسب با سن، رفتار ایدایی، رفتار مخرب، آگاهی ضعیف از خود و دیگران، مهارت های نامتناسب در بازی با توجه به سن.

۳- کودک مشکلات عاطفی عمده ای از قبیل افسردگی یا گوشه گیری، دامنه ی محدودیت هیجانات در موقعیتی معین، تحمل کم ناکامی، ترس و اضطراب شدید، تغییرات خلقی شدید و یا ترس های مناسب را نشان می دهد. (مثلاً کودکی ممکن است تمایل و نزدیک شدن دیگران به خود را خصمانه تعبیر می کند) (اداره آموزش و پرورش نیویورک، ۲۰۰۳؛ بهراد، ۸۶).

چگونه باید مهارت های اجتماعی را آموزش داد؟

در مدار فردی اولین گام، تصمیم گیری درباره ی نقطه شروع است. چه مقدماتی برای کودک لازم است؟ کاساپو^۴ (۱۹۸۳) می گوید: معلم نه تنها لازم است آن چه را که کودک می تواند یا نمی تواند انجام دهد مشاهده و تحلیل کند، بلکه باید مهارت های

۱- Perseveration

۲- Inability to transition

۳- Trust building

۴- Csapo

اجتماعی با ارزش و ویژه‌ای را که او در گروه سنی و یا در کلاس نیاز دارد، تبیین کند. پربارترین محیط برای افزایش مهارت‌های اجتماعی کودک کلاس درس و زمین بازی است. معلم باید به موقع مداخله کند تا کودک وارد فعالیت‌های گروهی شود و یا با شریکی که با دقت نظر انتخاب شده است، کار کند. معلم باید اغلب هم کودک مورد نظر و هم گروه همسال را برای همه‌ی نمونه‌های رفتاری دوستانه و کمک‌کننده و همکاری متقابل را پاداش دهد و تقویت کند.

آماده‌سازی مهارت‌های اجتماعی در ۶ مرحله صورت می‌گیرد:

۱- تعریف: مهارتی را که می‌آموزید توصیف کنید. در این نکته که چرا این مهارت ویژه مهم است و چگونه کاربرد آن به ایجاد رابطه کمک می‌کند، بحث کنید. مهارت را می‌توان با استفاده از یک فیلم کوتاه، یک عکس یا کارتون، یک نمایش عروسکی و یا تذکر دادن به کودک و راهنمایی او به فعالیت‌هایی که در گروه همسالان در جریان است، شرح داد. معلم می‌تواند بگوید: «نگاه کن چه طور آن دو دختر در ساختن پازل به هم کمک می‌کنند.» به من بگو آن‌ها به یکدیگر چه می‌گویند.

۲- مهارت را الگو کنید: مهارت را به چند جزء ساده تقسیم کنید و خودتان آن را به روشنی شرح دهید یا یک دانش‌آموز را انتخاب کنید تا این کار را انجام دهد.

۳- تقلید و تمرین: کودک یک مهارت را در محیطی که در آن آموزش دیده است، امتحان می‌کند. برای این که این امر موفقیت‌آمیز باشد باید او را تحریک کرد و تا آن مهارت را اجرا نماید و با دقت توجه کند و آن چه را که معلم شرح داده است به خاطر بسپارد.

۴- بازخورد: در این مرحله باید اطلاع‌دهنده باشد: «شما هنوز آن را کاملاً یاد نگرفته‌اید». باید هنگام صحبت به او نگاه کنید. دوباره سعی کن. «این بهتر است». شما نگاه کردید و لبخند زدید. «خوب است» بازخورد از راه یک ضبط ویدئویی می‌تواند در بعضی مواقع سودمند باشد.

۵- فرصتی فراهم کنید تا کودک مهارت را به کار بندد: معلم می‌تواند با توجه به مهارتی که آموزش می‌دهد کارهای گروهی کوچک یا فعالیت‌های کاری دو به دو ترتیب دهد تا مهارت‌ها در کلاس و یا دیگر مکان‌های طبیعی اجازه کاربرد پیدا کند و تعمیم یابند.

۶- تقویت متناوب: نمونه‌هایی را که در آن کودک مهارت را بدون اجبار، در مواقع دیگر روز یا در هفته‌های بعد به کار می‌گیرد زیر نظر بگیرید. به او پاداش و تقویتی توصیف‌کننده بدهید. به پایداری مهارت‌ها پس از اکتساب آن توجه کنید. احتمال زیادی وجود دارد که این رفتارها به محض تثبیت شدن، به وسیله پیامدهایشان مثلاً یک تعامل رضایت‌بخش‌تر با همسالان پایدار شوند.